



محمد سروش محلاتی
اسلام و مقتضیات زمان

سروش محلاتی، سال را با یک کتاب تازه آغاز کرد؛ کتابی که عنوان کتاب مطهری را با خود داشت: «اسلام و مقتضیات زمان». این کتاب مجموع ۲۰ سخنرانی او بود که در آن کوشیده بود پاسخ دهد که آیا برای سازگاری دین و تحولات زندگی بشر باید دین را متغیر قرار دهیم تا با تغییراتی که در زمان اتفاق می افتد همراهی کند یا باید در برابر تغییرات ایستاد تا ثبات دین حفظ شود؟ او امسال نیز فقه سیاسی را به منزله اصلی ترین کار خود در نظر گرفت و سعی کرد حدود آن و نسبت جمهوری اسلامی با آن را کشف و تحلیل نماید. او در گفتارها و سخنرانی های خود مسائلی مانند حق و حقوق در فقه، حرام زدایی از حرم (پیشنهادی به تولیت محترم آستان قدس)، امکان یا امتناع مذاکره با دشمن در سیاست انقلابی امام حسین (ع)، رابطه ولایت عرفانی و ولایت فقهی در نظریه امام خمینی (ره)، طرح امنیت اخلاقی از منظر فقهی را مورد توجه قرار داد.

سروش محلاتی، خردادماه در نشست آزادی و کرامت انسانی در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران اینگونه اعتراض کرد: «بیش از ۳۵ سال است

که می نشینیم و نشست علمی ترتیب می دهیم و درباره کرامت انسانی صحبت می کنیم. آیا وقت آن نرسیده که بعد از گذشت چهار دهه وضع فکری جامعه در این زمینه مشخص شود و به جای بحث های کلی تحت عنوان کرامت انسانی به مصادیق جزئی تر و مباحث تحقیقاتی در این زمینه بپردازیم؟» اما شاید در سالی که گذشت، هیچ یک از سخنرانی های صریح او به اندازه مقاله «تاملی بر مبنای حکومتی آیت الله بروجردی» جنجال برانگیز نشد. او این مقاله را به درخواست یک نهاد حوزوی نگاشته بود ولی آنان پس از تأیید علمی و پذیرش با رتبه عالی از چاپ آن در مجموعه مربوطه به دلیل آنکه «خلاف مصلحت» است عذرخواهی کردند و سرانجام از روزنامه جمهوری اسلامی سرآورد.

امام معمای سال ۹۵ سروش محلاتی، کتاب «بازگشت از بهشتی، بازگشت به بهشتی» است که با وجود ثبت شدن در اداره کتاب، هنوز از سوی بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله شهید دکتر بهشتی منتشر نشده است و شاید آن را برای رونمایی در نمایشگاه کتاب کنار گذاشته باشند!



محمد مجتهد شبستری
تبعید شده به فضای مجازی

استاد محمد مجتهد شبستری نیز سال پرماجرایی داشت؛ از ماجراهای لغو سخنرانی هایش تا دعوت او از مراجع برای مناظره. به دنبال سلسله جلسات لغو شده، شبستری در وبسایت خود از مشروط شدن سخنرانی هایش به مناظره، انتقاد کرد و از مراجع تقلید دعوت کرد تا با وی وارد مناظره شوند که البته هیچ یک از مراجع به دعوت وی پاسخ مثبت ندادند جز آیت الله جعفر سبحانی که ایشان هم دکتر محمد محمد ضایبی را به عنوان نماینده خود معرفی کرد. او که در تارگه خود ارتباط فعالی با مخاطبانش دارد، در آذرماه در یادداشت کوتاهی در گله از مختصات فضای مجازی می نویسد: «سبب اینکه در مناسبت های گوناگون می گوئیم مضمون سخنان و آرای خودم را به صراحت مرزبندی و متمایز کنم این است که متأسفانه فضای مجازی مرتبط با گفتمان دینی در ایران معاصر، در چند

سال اخیر بسیار آشفته شده است. بدرستی معلوم نمی شود کدام سخن از آن کدام شخص است و نقد علمی هر صاحب نظر چگونه باید پیش رود و نقد وارد بر او چیست، تا نقد سخنان دیگر به حساب سخن او نوشته نشود یا سخن او تحریف نگردد. تغییر نظر ها و مسیرهای فکری و احیاناً اقتباس های صاحب نظران از یکدیگر هم بدرستی آشکار نمی شوند. این وضعیت آشفته و مشوش صد درصد به ضرر تفکر علمی و معنوی دینی است. چون حسب و نسب افکار و آرا و تاریخ آنها عملاً تحریف می شود و تعقیب دقیق خط سیر تطور فکری گفتمان دینی معاصر ایران پس از سال ۱۳۵۷ را ناممکن می کند و کار اهل تحقیق را مشکل می سازد. او که امسال را با درسگفتار «آموزه ها و رویکردهای معنوی زیستن» به پایان برد، همچنان هرمنوتیک و بویژه کاربرد این فن در فهم قرآن را به عنوان کارویژه خود در نظر دارد.



مصطفی ملکیان
مطلق گرای اخلاقی

ملکیان امسال نیز مثل چند سال گذشته سالی پرازگفت وگو و درسگفتار را پشت سر گذاشت. او فروردین را با مباحثه ای با سعید حجاریان در خصوص سیاست و سیاست زدگی در مجله «اندیشه پویا» آغاز کرد و در خردادماه با اهالی «کرگدن» در مورد «شوق زندگی و میل مبهم خودکشی» گفت وگو کرد؛ موضوعی که در آبان ماه و در آخرین روز برگزاری کنگره کشوری روانپزشکان در تهران نیز آن را پی گرفت. جنجال و مصطفی ملکیان نسبت چندانی با هم ندارند. اما عجیب بود که در خردادماه او در یک سخنرانی تبلیغاتی در نشست رونمایی یک کتاب اقتصادی در یک کارگزاری بانک حاضر شد و به تشریح «عقلانیت اقتصادی» پرداخت و تعجب بسیاری را برانگیخت. در تیرماه محمد علی کرباس فروشان در دین آنلاین گفت وگویی قدیمی را منتشر کرد و نظرات ملکیان پانزده سال پیش در باب «روشنفکری دینی» را بازنتاب داد. همان طور که خود «به صرف یک فتنان اسپرسو» با مریم شبانی در میان گذاشته بود، قرار نیست او همیشه «با دیگارد آرای خود» باشد و از همین رو تفاوت محسوس میان نظرات قدیمی ملکیان امروز و دیروز در باب روشنفکری دینی دیده می شود.



یوسف باذری
همیشه جنجالی

نام دیگر یوسف باذری را می توان «جنجال» گذاشت. امسال او با فاشیستی خواندن شعارهای تجمع مقبره کوروش خبرساز شد. او که در همایش «عقلانیت و اعتدال در جهان معاصر» در آبان ماه به مناسبت روز جهانی فلسفه در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران سخنرانی می کرد این چنین گفت: «آنچه مرا وحشت زده کرد شعارهایی ضد عرب و ابراز نفرت به اعراب بود. فاشیسم همیشه همین طور مشروع می شود. شاید کسانی که در آن جمع بودند خود نمی دانند که چه عمل فاشیستی مرتکب شده اند، شاید خود آنان هم اکنون از منتقدان ترامپ باشند نئولیبرالیسم و فاشیسم تا به خود بیایید بر سر شما هوار می شوند.» او در این سخنرانی چند پاره، اتفاقات فاشیستی جهان امروز، از داعش تا ترامپ را بر شمرد و میان لیبرالیسم و فاشیسم ارتباط برقرار کرد و در انتها با طعنه به فیلسوفان پرسید: «می توان کسانی را مثال زد که در جریان انقلاب جنسی از تجربه ای به تجربه دیگری روند تا ملال و اضطراب خود را بیوشانند و نمی توانند. ما جامعه شناسان چون درباره آسیب های اجتماعی با همان نتایج منطقی سیاست و اقتصاد نئولیبرال تحقیق می کنیم با این پدیده ها و ربط آن با متافیزیک آشنا نیستیم. شما هم به این سوی متافیزیک سر زده اید؟»



سید جواد طباطبایی
فیلسوف سیاست

آذرماه جشن نامه جواد طباطبایی با عنوان «فیلسوف سیاست» منتشر شد؛ کتابی که قرار بود در تولد هفتاد سالگی او منتشر شود و یک سالی در تیر بیرون آمد. در دی ماه به مناسبت انتشار همین کتاب نشست «تأمل درباره ایران» با عنوان «ایران همین جا است که ایستاده ایم» برگزار شد و طباطبایی به طرح بحثش درباره نهاد دانشگاه در ایران پرداخت و اینکه این نهاد هیچ نتوانست نسبت به تولید علم و اجتهاد در حوزه علوم انسانی اقدام کند. او با اشاره به بحث بومی سازی علم گفت دانشگاه ایران وقتی می تواند دانشگاه در معنای درست خود باشد که یک موضوع مهم داشته باشد و آن ایران است. او اضافه کرد دو طرح مفصل من که به جایی نخواهد رسید این است که اولاً ایران چیست؟ و دوم اینکه غرب چیست؟ اگر بتوانیم محل نزاع این دورا تحلیل کنیم تازه به این مرحله می رسیم که مختصات شروع تولید علم چیست.

افزون بر این نشست، «ایران فرهنگی» و «زبان ملی» دغدغه همیشگی سید جواد طباطبایی است و به قول داوود فیروزی او توانسته مسائل امروز را به پرسش های فلسفی بدل کند و به تعبیری «ایران پرستی فانتزی» را به «ایران شناسی فلسفی» ارتقا دهد. او این مسیر را در اغلب یادداشت ها و سخنرانی های خود در سال ۹۵ دنبال کرد؛ از جمله در آذرماه در مجله ایران شهر به نقد برنامه وزارت علوم و فنآوری در آموزش زبان «ترکی آذری» به دانشگاه های سه استانی که ساکنان آنها به این زبان تکلم می کنند پرداخت و در تحلیلی مفصل این اقدام را فاجعه خواند.

«آفاق فلسفه در سپهر سیاست» که باز مجموعه گفت وگوهای سید جواد طباطبایی است در مرحله تدوین است و شاید در هنگام انتشار این نوشتار، منتشر شده باشد.